



پرسشگرانه با چالش پیش آمده دومی را برگزیده است» (ص ۱۵).

کیفی شاعری دین مدار و اندیشه‌ورز است که گرایش دینی خود را در شعر آشکار می‌کند. در ستایش پیامبر اکرم^(ص) (ص ۶۷) و امام حسین^(ع) (ص ۳۵) شعر می‌سراید و در میان چهره‌های معاصر شعری «تقدیم به امام موسی صدر» (ص ۹۵) می‌کند. عشق و بثالشکوی از دیگر موضوعات شعر اوست.

شعر کیفی از دید زبانی، روشن و رسا و روان است و به‌ویژه آن‌گاه که در نمونه‌هایی مانند «تن نیست که! زندان است» (ص ۷۳) از ساختارهای رایج در زبان کوچه و بازار ایرانیان بهره می‌برد زبان او نمکین‌تر می‌شود و چنین نمونه‌هایی نشان از هوش زبانی و تیزبینی شاعر و شناخت خوب او از زبان فارسی امروز دارد. او گونه‌گونی وزنی را در شعرهای خود پاس داشته و از وزن‌های رنگارنگی سود جست است. موسیقی بیرونی شعر او گوشنواز و آشناست. کیفی بیشتر از وزن‌های پرکاربرد شعر فارسی بهره برده؛ اما هنگامی که به سراغ وزن‌های کم‌کاربردتر مانند «متفاعلن» در «تقدیم به حضرت ابوالمعانی»

با خیال تو، سید نقی عباس (کیفی)، دهلی نو: بنیاد فارسی هن. د. ۲۰۱۸.

کتاب با خیال تو، اولین مجموعه شعر منتشرشده از سید نقی عباس (کیفی) است که ۴۲ غزل و پنج رباعی از سروده‌های او را دربردارد. کتاب با یادداشتی از علی اکبر شاه (دبیر بنیاد فارسی هند که ناشر اثر است) و پیشگفتاری کوتاه از محمدجواد آسمان (شاعر و منتقد ایرانی) آغاز شده است. علی اکبر شاه روند روبه‌رشد و پیشرفت کار شاعر را پرشتاب ارزیابی کرده و نوشته است: «اگر چینش غزل‌های این مجموعه به‌ترتیب زمان سرودن بود شما نیز مانند من از پیشرفت توأمان احساس و محتوا، آن هم فقط در چند سال، شگفت‌زده می‌شدید» (ص ۱۲). آسمان نیز درباره‌ اندیشه‌های شاعر چنین گفته است: «یکی از برجسته‌ترین دغدغه‌ها و درگیری‌های فکری او در خلوت شاعرانه‌اش با خودش، معطوف به وجود و چیستی و چرایی و چگونگی و بایستگی‌های آن است؛ به‌عنوان عکس‌العمل آفریده‌ای تنها و سردرگم در وادی هستی، که بین نوحه‌سرایی بر وضعیت موجود، یا برخورد شوخ‌طبعانه و

(ص ۹۳) رفته نیز به بحور نامطبوع نپرداخته است. در موسیقی کناری توجه شاعر به ردیف نمود آشکار دارد؛ به‌گونه‌ای که همهٔ سروده‌های کتاب دارای ردیف‌اند. بیشتر ردیف‌ها مانند «را» (ص ۴۳)، «من» (ص ۶۳)، «نیست» (ص ۲۱)، «ای دل» (ص ۵۳)، «داریم» (ص ۱۹) و... کوتاه و ساده و غیرمتکلفانه‌اند و در نمونه‌هایی اندک از ردیف‌هایی بلندتر مانند «دلتنگ دیدارم» (ص ۷۱)، «حسرت و یأس» (ص ۷۷) و «من با خیال تو» (ص ۸۳) هم استفاده شده است. گرایش دینی و مذهبی شاعر نیز در برگزیدن شماری از ردیف‌ها مانند «محمد» (ص ۶۷) و «کربلا» (ص ۳۵) اثر آشکار نهاده است.

در پایان باید گفت در روزگاری که با دریغ بسیار زبان فارسی آن نفوذ پر دامنهٔ چشمگیر و شگرف پیشین خود در شبه‌قارهٔ هند را از دست داده، خواندن شعرهای شیوا و رسای یک شاعر جوان هندی که فارسی زبان مادری او نیست، مایهٔ شادمانی است.

نسیم عظیمی‌پور

حدیث سرو و نیلوفر (نه مقاله دربارهٔ زبان و ادب فارسی در شبه‌قارهٔ هند)، غلامعلی حدادعادل، تهران: سخن، ۱۳۹۶ ش، ۲۴۴ صفحه.

مجموعهٔ حاضر، که حاصل مذاقه و پژوهش نویسنده در حوزهٔ شبه‌قاره‌شناسی است، گلچینی از مقاله‌هایی است که غلامعلی حدادعادل، پیش‌تر، هرکدام را به‌مناسبتی در طول ۳۰ سال، در همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های مختلف ایران، هند و پاکستان در قالب سخنرانی‌های متعدد ایراد کرده است؛ معیار نویسنده در تنظیم مطالب کتاب برای سه مقالهٔ نخست موضوعی و در شش مقالهٔ دیگر شرح

حال برخی رجال بوده است. حدادعادل در مقدمهٔ اثر به تاریخچه‌ای از اشتراکات زبان‌شناختی و روابط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد؛ و این نکته را می‌افزاید که در دورهٔ اسلامی نیز مسلمانان بخشی اعظم از علوم هندی در ریاضیات، نجوم و داروشناسی را به جهان اسلام منتقل کردند و در انتقال این علوم ایران و ایرانیان عامل و معبر انتقال بودند. رفت‌وآمدهای شاعران، نویسندگان، طبیبان، معماران و صنعتگران به هند نیز از دیگر پدیده‌های تاریخی و اجتماعی مورد اشارهٔ مؤلف است که از میان آنها بارزترین جلوهٔ حضور ایرانیان را در هند رواج و رونق زبان و شعر فارسی ذکر می‌کند و می‌گوید: «زبان فارسی هرگز میدانی وسیع‌تر از شبه‌قارهٔ هند برای ظهور و بروز و جلوه‌گری نیافته است» (حدادعادل، ص ۱۵). در زمینهٔ عرفان نیز، به‌تعبیر او، هندیان که با اوپانیساده‌ها و وداها آشنا بودند، از طریق زبان فارسی عرفان اسلامی را شناختند و «حرف دل خود را می‌شنیدند» (همان‌جا)؛ زبانی که، در طول ۸۰۰ سال، زبان رسمی برخی دربارها و نیز اهل علم و ادب و فرهنگ شبه‌قاره بود.

مطابق نظرگاه حدادعادل، مقام زبان فارسی در دوران ۸۰۰ ساله در شبه‌قاره با جایگاه امروزی زبان انگلیسی در آن دیار هم‌تراز است. او می‌گوید که در آن دوران محصول فکر و اندیشهٔ نخبگان بیشتر به فارسی نوشته می‌شد و فارسی زبان فرهنگ بود. نکتهٔ مورد اشارهٔ دیگر وی چیرگی روابط دوستانه و صلح‌آمیز میان دو سرزمین ایران و شبه‌قاره در طول تاریخ گذشته و امروز بوده است. شاهد و نمونهٔ آن حمایت و پشتیبانی از همایون‌شاه (حک: ۹۳۷-۹۶۳ ق/ ۱۵۳۱-۱۵۵۶ م)، پادشاه گورکانی هند، است که به دربار شاه طهماسب صفوی پناه آورد و با